

هوای گریه با من

متناثرم

داریوش شایگان
نویسنده

● «سیمین بهبهانی» و اشعارش را بسیار دوست داشتم و از فقدان او عجیب متناثرم. بیه گمان من درگذشت او، فاجعه بزرگی برای هنر و ادب ایران‌زمین به‌شمار می‌آید. یادش گرامی.

آزاده زن

کی‌خسرو پورناظری
آهنگساز و نوازنده

● خاتم «سیمین بهبهانی» از مفاخر ادبی ایران زمین بودند که غزل‌هایی جاودانه و ماندگار سرودند. اشعار متنوعی دارند و با اشعارشان چندین وزن به اوزان غزل فارسی اضافه کردند. همچنین از دیگر ویژگی‌های اشعار ایشان، زبانی پخته و دلنشین است؛ زبانی که به سبک قدما محکم و در عین حال از زیبایی امروزی هم برخوردار است. ایشان یکی از مفاخر ادبی ما بودند که سروده‌هایشان در تاریخ ادب پارسی جاودانه خواهد ماند. سروده‌های او، شعر ناب پارسی است و خودش هم آراه زاده یود ازرشمند متأسفم که یکی از گنجینه‌های ادب ایران زمین را از دست دادیم. برایشان آرزوی مغفرت و شادی روح دارم و از درگذشتان متأسفم.

یادش بخیر

کلی ترقی
نویسنده

● شیفته سادگی و اصالت سیمین خاتم بهبهانی بودم و آن گل کوچکی که به گوشه موهایش می‌زد، دلم برایشان تنگ می‌شود. یادشان بخیر.

مادر مهربان غزل

احمد پوری
مترجم

● مرگ، یکی دیگر از یادگارهای نسل شیفته و متعهد به ادبیات را از ما گرفت. «سیمین بهبهانی» از شاعرانی بود که هرگز تسلیم جو پیرامون خود نشد. او از ابتدای کار شاعریش، غزل را برای بیان عواطف و اسرار درونش انتخاب کرد. آگاه بود از اینکه این فرم شعری کم‌کم در قصه‌های خاطره جا می‌گیرد و مخاطب آن دارد روزبه‌روز اندک می‌شود. اما «سیمین» با نوآوری خود، در اوزان شناخته‌شده عروضی جانی تازه در غزل دمید و حالی دیگر به آن داد. «سیمین بهبهانی» شاهد ناظر و فرودچوب بسیاری از دوره‌های شعر و ادب بود و خود، سهم قابل‌ی‌بر گنجینه ادب ایران افزود. زندگی اجتماعی و جهت‌گیری‌های انسانی و متعهد، همراه دستاوردهای ادبی‌اش، او را به‌عنوان چهره‌ای متمایز و بزرگ در ادبیات ما ماندگار کرد. ادبیات ایران، مادری مهربان را از دست داد.

شاعر عدالت‌خواه

علیرضا قربانی
خواننده

● درگذشت بانو «سیمین بهبهانی» را به پیشکوتان اهل ادب‌وشعر فارسی تسلیت می‌گویم. سیمین بهبهانی بعد از «پروین اعتصمی» یکی از بانوان ماندگار عرصه ادب‌وفرهنگ این سرزمین است؛ شاعری که تزنه و تصنیف سروده، همیشه دست‌به‌قلم بوده و از اندیشمندان این مرزوبوم به‌حساب می‌آید. آنچه بانو بهبهانی را از دیگر شاعران معاصر متمایز می‌کرد، این بود که حوادث اجتماعی تأثیر مستقیم در شعرش داشت و سرنوشته مملکت و مردم برایش مهم بود. این همان نکته‌ای است که در معدود شاعرانی از جمله اسناد شفيعی کدکنی دیده می‌شود. بانو بهبهانی شاعری قوی و صریح در عرصه فرهنگ و عدالت‌خواهی بود که بدون واسطه و مستقیم درباره مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اظهارنظر می‌کرد و در بین زنان ادب‌وفرهنگ ایران، بانویی آزاداندیش و آگاه بود که تا لحظه آخر، پای اعتقادش ایستاد.

«سیمین» بی‌جایگزین

امیرحسین چهل‌تن
نویسنده

● سیمین عاشق، سیمین مادر، سیمین شاعر، سیمین رفقت و دوستی را از دست دادیم، سیمین بی‌جایگزین را. آرزو می‌کنم همه ما دوستان و دوستان‌اتش توانیم دوری او را تحمل کنیم. دلخوشی ما البته به میراث بزرگی است که او برای فارسی‌زبانان و دوستان‌اران این فرهنگ و این سرزمین به‌جا گذاشت.

نیمای غزل

عزیز ایشان هم تسلیت عرض می‌کنم. خدمت خوندندگان روزنامه «شرق» مطلع غزلی را که در دفتر شعرم هم چاپ شده، می‌آورم: «اوستاد غزل خاتم بهبهانی / روح دارد همه شعره‌اش ارغوانی» یا این بیت اول از غزلی دیگر «زرین‌ترین غزل گفت سیمین بهبهانی / استاد نکته‌گویی استاد نسخه‌دانی» در آغاز نقدی که بر کتاب مهم زندگینامه‌خودنوشت ایشان نوشته‌ام، این شعر را در ضمیمه آن آورده‌ام: «ای شعر تو جرعه‌جرعه صهبای غزل / مانند تو کس نداشت پروای غزل / در حق تو نیک حق‌شناسان گفتند / سعیدی زمان به نثر و نیمای غزل»- امیدوارم این زندگینامه‌خودنوشت ایشان به نام «با مادرم همراه» که آن را بسیار کتاب مهمی می‌دانم به چاپ‌های بعدی برسد.



بهاالدین خرمشاهی
شاعر و پژوهشگر

درگذشت بانوی شعر و غزل امروز را به همه

دوست‌داران فرهنگ و هنر ایران و زبان فارسی تسلیت می‌گویم. بیش از چهل سال است که من خواننده شعر ایشان هستم و سابقه ارادت و شاگردی هم خدمت ایشان داشتم و حتی شعرهایی هم برایشان گفته‌ام. کمتر از یک‌ماه پیش، تماس گرفتم و خیلی به زحمت جواب می‌دادند. منزلشان را عوض کرده بودند. گفتیم خدمت می‌رسم به‌زودی. دریغ که با این واقعه دردناک روبه‌رو شدیم. خدمت فرزندان

راهروهای بیمارستان خالی، دیوانه‌نوشته‌های ممنوع‌المالقاتی‌اش را کدنه‌اند. شلوغی میانه بلوار کشاورز در ساعات ملاقات بیمارستان پارس فروکش کرده و دیگر شاعرها در پیاده‌روهای منتهی به بیمارستان سیگار نمی‌کشند. امروز ۲۸ مرداد است و به‌تفریق جمع شاعران از همین حیاط خلوت بیمارستان آغاز شده است.

کسانی که از ۱۵ مرداد اخبار بیماری، بستری‌شدن و به‌کمارفتن بانوی غزل؛

سیمین بهبهانی را دنبال می‌کردند، یکی، دو روز گذشته را با روحیه‌ای بهتر بسر کردند، اخباری که از «آی‌سی‌یو» بیرون می‌آمد می‌گفت: شمع وجود سیمین زنده کشیده، چشم‌های سرمسایش نیمه‌جانی گرفته و احیاناً دست کسی را که بر بالینش حاضر است فشاری امیدبخش داده، اما شعر زندگی، همیشه غافلگیر می‌کند، درست همانجایی که می‌خواند «در شهادت یک شمع راژ منوری است که آن را آن آخرین و آن کشیده‌ترین شعله خوب می‌دانند»

و در شهادت یک شمع راژ منوری است

بانوی شعر معاصر ما «سیمین بهبهانی» آنقدر صبر داشت تا به ساعت ابتدایی بیست‌وهشتمین روز مردانه‌ام برسد و ۶۱ سال پس از کودتایی که علیه دولت ملی دکتر مصدق رخ داد با ایست قلبی و تنفسی در بیمارستان «پارس» رخت عاقبت را به تن کرده و شعر را تنها بگذارد.

تقارن عجیبی است که مرگ یک‌شاعر با مرگ یک‌رویا هم‌زمان شده است، رویایی که خود سیمین درباره‌اش می‌گوید «روز بیست‌وهفتم مرداد به همراه خواهرم و برادرم در سینما بودیم (سینما هما) که یک‌باره عده‌ای به داخل سینما ریختند و فریاد زدند «مرگ بر مصدق»... خلاصه هجوم آوردند. دقیقاً همان اشرار و الواط بودند. برای اینکه طوری وارد سالی شدند و حرف‌هایی زدند که تهوع‌آور بود، نکتب‌آور بود. یعنی آدم‌های حسابی نبودند. اگر شجاعت و شهامت مصدق نبود، شاید که سال‌ها ملی‌شدن نفت به ماندن می‌افتاد و سال‌ها ثروت ما را دیگران می‌خوردند».

سیمین بهبهانی، یگانه روزگار ما بود، شاعری که با ۸۷سال سن تا همین روزهای آخر پر از رنگ و شور و ترانه بود. شاعری که از جوانی تا کهنسالی عاشقانه‌سرایی قهار و از میانسالی به بعد اجتماعی‌سرایی بی‌رقیب بود. گویی هرچه از عمر او گذشت گوهر عشق در وجودش پرتلاوت‌تر شد؛ چه آنکه خود به سر شوق آمده بود که «۸۰سالگی و عشق؛ تصدیق کن که عجیب است» و نتیجه گرفته بود که «۸۰ساله حوا به ۲۰ساله رقیب است» اما چنانکه گفته

آمد وچه غالب درونی شعر سیمین به عشق آسانی محدود نمائد و قدم در راه بی‌پرگشت و سراقارانه سرودن از وطن و برای وطن گذاشت. حتماً پارهای از شعر درخشان او که در زیربنای لایه‌های جامعه نیز نفوذ کرده و شمار مردمان شده است را به یاد دارید «دوباره می‌سازمت وطن/ اگرچه

هنر



خسرو سینایی
کارگردان سینما

با «فریدون مشیری» عزیز بانویی جوان و جذاب در حیاط منزل «ابوالقاسم حیم» در خیابان رشت تهران (پایین خیابان طالقانی فعلی) زیر درختی نشسته بود و به اشعار ما که نسل جوان‌تر از آنها بودیم گوش می‌دادند و هر دو به ما توصیه‌هایی می‌کردند. اواسط دهه ۱۳۳۰ بود. این اولین تصویر من از اوست. از «سیمین بهبهانی». بانویی که بعدها از شاخص‌ترین چهره‌های ادبی و اجتماعی کشورمان شد. سال‌ها از ایران و فضای ادبی آن دور ماندم و بیشتر اشعار فروغ یا سهراب یا اخوان ثالث

سیمین بهبهانی در ۸۷سالگی در گذشت

غزل، در سوگ «سیمین»

پوریا سوری



تصنیف‌سرایی برای خوانندگان مشهور آن زمان به چهره‌ای شناخته‌شده در جامعه هنری قبل از انقلاب بدل شد. عضویت او در کانون نویسندگان ایران در آستانه انقلاب، از دیگر فرازهای زندگی ادبی و اجتماعی سیمین است، جایی که بزرگان شعر، ادبیات و هنر ایران برگ‌های زرینی را در تاریخ فعالیت‌های ادبی و هنری رقم زدند. او که پس از مرگ فروغ، شاخص‌ترین‌چهره شعر معاصر زنان ما بود، در کنار فعالیت‌های ادبی و هنری خود، در مجامع زنان، حضوری فعال داشت و به‌نوعی از شهرت اجتماعی خود در تثبیت و احقاق حقوق زنان نیز بهره می‌برد. همین حضور پررنگ در مجامع‌عمومی به نفع حقوق زنان برای او سه‌جایزه مهم سازمان جهانی حقوق بشر (مدال کارل فون اوسویتسکی)، سازمان دیدهبان حقوق بشر (جایزه لیلیان هیلمن/ دانیسل هامت) و جایزه سیمون دوبوار را به همراه داشت.

سیمین بهبهانی که طرز شعری خود را وقف غزل‌سرایی کرده بود، به‌واسطه به‌کاربردن وزن‌های مختلفی که کمتر کسی در آن قلمی فرسوده، شهرتی یگانه داشت، چه آنکه بسیاری از زن‌های غریب و مهجور فارسی با شعرهای درخشان سیمین تلاووی مجدد یافت. در کار غزل‌سرایی سیمین همین بس که او؛ بسیار مدرن‌تر و هوشنگ البته؛ کلاسیک‌تر، باثت به‌روزماندن سرایش غزل در سطحی درخشان در قرن حاضر شدند و دیگری که پس از این

پیام دولت‌آبادی برای در گذشت سیمین بهبهانی

محمود دولت‌آبادی در پی در گذشت سیمین بهبهانی در پیام تسلیتی نوشت: «در گذشت شاعر غزل‌سرای کشور را به خانواده، همه دوستان، دوستدارانش و به‌خصوص بانوان ایران تسلیت می‌گویم. او در همه حال شاعری بود که به این کشور می‌اندیشید و به آرزوهای خودش. امیدوارم که زندگی پربار او به‌عنوان امانتی نزد دوستدارانش زنده باقی بماند و می‌ماند.»

آنچه از «سیمین» به یاد دارم

بود که به دستم می‌رسید و بر ذهنم تأثیر می‌گذاشت. کم‌کم شعر و شاعری به حاشیه رفت و جایش را به فیلمسازی داد. اما آخرین تصاویرم از او، دیدارهایی در چند جلسه ادبی و شعرخوانی طی چند سال اخیر است. چون همیشه آراسته می‌آمد. باید خیلی به او نزدیک می‌شدم تا مرا ببیند. با احترام می‌گفتم: «سلام خاتم بهبهانی، مرا می‌شناسید؟» نمی‌دانم به درستی مرا می‌دید یا فقط صدام را می‌شنید اما همیشه می‌گفت: «بله بله البته.» در سالخوردگی، اشعارش از نظر محتوا، از بسیاری شعاری جوان، متهورانه‌تر و با طراوت‌تر بود و از نظر ساختارضربانگ‌هایی را در شعر متکی به سشتش به‌کار می‌گرفت که بسیار نادر و گاه کاملاً نو بود. خوشبختانه در سال‌های آخر عمر، آن‌سان که سزاوار بود، مورد قدرشناسی و احترام قرار گرفت.

دو، غزل‌سرایی را روش شعری خود انتخاب کردند، نمی‌توانند منکر تأثیر این دو بزرگ شعر و خصوصاً سیمین بهبهانی بر زندگانه‌داشتن این غالب کهن شوند و اگر امروز بخشی محدود از جامعه غزل‌سرای ما هنوز با سنت آزاداندیشی شعری ما خوانده می‌شود و به سطح شعرهای سفارشی دولتی فروگذاسته‌نشده مرون حضور برقدرت، روشنگر و مادرانه سیمین بهبهانی است. زنی بزرگوار که بی‌چشم‌داشت زیر بال و پر بسیاری از شاعران جوان را گرفت و با حاشیه‌نویسی بر شعر آنان موجب ترقی، شهرت و تحول شعر ایشان شد.

دل‌زدگی‌های زنی که عاشق رنگ‌هاست

ویرتین‌های رنگارنگ پارچه‌فروشی‌های خیابان زرتشت، خاطره‌ها دارند از ایستادن شاعر در مقابلشان. خانه

سیمین سال‌ها در خیابان زرتشت بود و مسلمانا ویرتین‌ها، او که شیفته رنگ بود و نشاط و سرزندگی بی‌حدی را که در وجودش زبانه می‌کشید خوب به خاطر دارند. همانطور که طنزهای و مجلس‌گردی‌ها و رنگین‌کمان خاطراتش در خاطر نزدیکش روشن و تصویری ابدی است. با اینهمه سیمین شعر معاصر، در چند سال گذشته اوضاع بر وفق مرادش نبود. کجولت سن و بیماری‌هایی که به جان شیفته‌اش نشسته بود اگرچه سوسی چشم‌مانش را گرفته و قامت نحیفش را زنجور‌تر کرده بود اما آنچه این سال‌ها خصوصاً در دولت‌های نهم و دهم بیشتر او را آزار می‌داد، توقف انتشار و تجدید چاپ آثارش و جلوگیری از شرکتش در مجامع ملی و بین‌المللی بود هرچند، در دولت‌یازدهم توانست گذرنامه‌اش را بگیرد و در هفتم شهریور سال ۱۳۹۲ برای دریافت جایزه «بانوسو پانونیوش» که از سوی «انجمن قلم» مجارستان، در شهر «پچ» این کشور به او اهدا شد، سفری کوتاه داشته باشد.

محبوب مردم چون مصدق
به هر رو؛ سیمین بهبهانی هم، چون دیگر انسان‌هایی که قرن از پی قرن باید بیاید تا چون اوپی تجسد پیدا کند. لاید چشم‌انش سویی مجدد گرفته و دوستدارانش را می‌بیند که دار‌ها همه سرخ، شعرهای او را می‌خوانند و سوگوارانش، سپاه‌یوش غربت اویند. اوپی که روایتگر بخشی از تاریخ ما با همه کام‌ها و ناکامی‌هایش بود. اوپی که میهن‌پرستی یگانه بود چون مصدق. و اوپی که ۲۸ مرداد ۱۳۹۲؛ «روز کودتا» را برای رفتن انتخاب کرده بود.

همچنین خواسته سیمین بهبهانی در مورد مراسم تشییع پیکرش این بوده است که مراسم از در منزلش انجام شود و پیکر او در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده نشود. مراسم خاکسپاری او روز جمعه، ۲۱ مرداد برگزار می‌شود و بنا به درخواست خودش در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده می‌شود.

با حضور شفيعی کدکنی، ابتهاج و در یابندری

یاد محمد زهرایی زنده شد

اتحادیه‌ناشران و کتابفروشان در مورد تأثیر زهرایی بر افزایش سطح تقويع اهالی ادبیات گفت: «زهرایی صفت‌های زیادی داشت. اول ارتقای سطح کتابفروشی و دوم ارتقای فزینک کتاب تا جایگاه یک اثر هنری. زهرایی با وسواسی و اشتیاق در ارتقای سطح توقع اهل قلم تأثیر مثبتی داشت و این می‌تواند یادگار بزرگی از سوی او باشد. منوچهر انور، نویسنده و کارگردان سینما در مورد همکاری خود با زهرایی عنوان کرد: «آخرین کتابی که برای نشر به زهرایی سپردم، در ترجمه قصه‌های پینوکو بود که برای نخستین‌بار پیش از آنکه دستور چاپ آن را صادر کند، از میان ما رفت»؛ شاهرخ تندروصالج، نجف در یابندری و... آمدند تا خاطره در در این مراسم شرکت کرده بود اما وقتی قرار شد برای ادای سخنرانی روی سن بیاید، نتوانست و به‌دنبال آن فیلم کوتاهی از صحبت‌های محمدعلی موحّد پخش شد. در ادامه مهدی فیروزان، مدیر‌عامل نشر کتاب در مورد زهرایی گفت: «جهان زهرایی محدود به نشر کارنامه نمی‌شد. این او را در تنوع فعالیت‌هایش می‌توان دید. این تنوع در حوزه کاری زهرایی باعث می‌شدند که هرگز جای‌نماید اداره‌کردن یک نشر موفق در این سال‌ها کاری دشوار است. از حیث امکانات، بازار، رقبا و پرشدن یافت با چیزهایی غیر از کتاب، همه‌وهمه کار را مشکل‌تر می‌کند. اما او هرگز بازماند در برابر مشکلات نمی‌ایستاد و راه‌حلشان را پیدا می‌کرد.»حسن کیابیان، مدیر نشر چشمه و رئیس سابق

چرا رفتی؟

بازتاب درگذشت «سیمین» در فضای مجازی

ادای احترام

همایون شجریان و آ‌ل‌ا‌ی‌ر



● **شرق:** خبر درگذشت سیمین بهبهانی صبح روز سه‌شنبه در شبکه‌های اجتماعی بازتاب وسیعی داشت و خیلی از هنرمندان در صفحه‌های شخصی‌شان نسبت به آن واکنش نشان دادند و در جملاتی به سیمین‌بانوی غزل ادای احترام کردند. همایون شجریان که صدایش این روزها در سالن وزارت کشور هر شب یادآور سیمین بهبهانی است در صفحه شخصی‌اش در توئیتر درگذشت سیمین بهبهانی را با سطرایی از همین شعر تسلیت گفت: «چرا رفتی چرا من بی‌قرارم» که حالا با صدای همایون ماندگارتر از پیش هم شده است. شجریان پسر از بهبهانی با عنوان بانوی غزل ایران یاد کرد. آ‌ل‌ا‌ی‌ر، مستغوی فارسی‌زبان وزارت امورخارجه آمریکا نیز در ساعات اولیه صبح درگذشت سیمین بهبهانی را تسلیت گفت. آ‌ل‌ا‌ی‌ر در صفحه شخصی‌اش در فیس‌بوک نوشت: «بانوی غزل، سیمین بهبهانی درگذشت. این شیرزن از مفاخر سرزمین ایران و ادبیات جهانی بود. روحش شاد و یادش گرمی باد» آ‌ل‌ا‌ی‌ر غزل دوباره می‌سازمت وطن را ضمیمه نوشته‌اش در فیس‌بوک کرد. کیهان کلهر، آهنگساز نیز این خبر را منعکس کرد و یاد و خاطره او را گرمی داشت. یغما گلرویی، ترانه‌سرای معاصر در صفحه شخصی‌اش تصویری از صفحه اول کتاب مجموعه اشعار سیمین بهبهانی را به اشتراک گذاشت که در آن شاعر کتاب را برای ترانه‌های جوان امضا کرده است. امضایی که تاریخ تیرماه۸۵ را بر خود دارد. گلرویی نوشته است: «شاعران نمی‌میرند چراکه ذات شعر، پیروزی زندگی‌ست بر مرگی که ما را محیط کرده است. بدرود غزلبانو.»در بین کاربران فیس‌بوک و توئیتر نیز این خبر بازتاب فراوانی داشت و بسیاری از کاربران با اشتراک‌گذاشتن عکس‌ها و باقسمت‌هایی از اشعار سیمین بهبهانی ناراحتی و قدردانی خود نسبت به یکی از بزرگان ادب ایران زمین را نشان دادند. گشتی در دنیای مجازی می‌تواند این‌نمای باشد از فضای جامعه‌ای که شاعرش را هنوز فراموش نکرده است.

ساختمان شیشه‌ای

مسافر بعدی جام‌جم کیست؟

احتمال ریاست «سرافراز» بر صداوسیما



● **شرق:** گمانه‌زنی‌ها درباره مسافر بعدی ساختمان شیشه‌ای جام‌جم ادامه دارد. این‌روزها در حالی رزمه خداحافظی عزت‌الله ضرغامی با صداوسیما به گوش می‌رسد که از گزینه‌هایی چون غلامعلی حدادعادل، عبدالرضا رحمانی‌فضلی، علی‌داریی، محمدحسین صفارهرندی، محمدباقر قالیباف، محمدرضا مخبرذرفولوی و محمد سرافراز، به‌عنوان جانشینان احتمالی ضرغامی یاد می‌شود. هرچند هیچ مقام رسمی‌ای ریاست هیچ‌کدام از گزینه‌های فوق را تأیید نکرده؛ با این حال اخبار غیررسمی حکایت از آن دارد که شانس «محمد سرافراز» برای اقامت در ساختمان شیشه‌ای جام‌جم از دیگران بیشتر است. نام معاون برون‌مرزی صداوسیما و رئیس شبکه پرس‌تی‌وی در حالی به‌عنوان گزینه جدی ریاست سازمان صداوسیما مطرح می‌شود که سرفراز مانند ضرغامی از درون خانواده صداوسیما و جزو بدنه این سازمان محسوب می‌شود. وی که به دو زبان انگلیسی و عربی تسلط دارد نقشی اثرگذار و تعیین‌کننده در رسانه‌ای کردن مواضع نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل داشته است. او علاوه بر پرس‌تی‌وی، در مدیریت شبکه همسپاسی‌تی‌وی هم نقش داشته و تلاش می‌کند تا این شبکه را نیز قدرتمند کند. وی هم‌اکنون با حکم مقاممعهظم‌عبیری عضو شوراهای فضای مجازی است. محمدحسین صفار هرندی نیز به‌عنوان دیگر گزینه ریاست صداوسیما نام برده شده است. اما عبدالرضا رحمانی‌فضلی دیگر گزینه، در کنار وزارت کشور نماینده رییس‌جمهور در شورای نظارت بر صداوسیما هم هست. همچنین پای ثابت انتخابات ادوار مختلف ریاست‌جمهوری ایران در ماه‌های اخیر به یکی از گزینه‌های احتمالی صداوسیما تبدیل شده است. علی‌داریی نیز از جمله گزینه‌های احتمالی است که در کارنامه‌اش سوابق سیاسی به چشم می‌خورد تا سوابق فرهنگی و هنری. او نزدیکی فکری زیادی با جمعیت ایرانگزار دارد و در سال‌های گذشته از به‌عنوان یکی از منتقدان احمدی‌نژاد نام برده می‌شد.